

ویژگی‌های اخلاقی و سیاسی حضرت زینب علیها السلام

* سیده طاهره موسوی

اشاره

حضرت زینب علیها السلام از افراد تأثیرگذار در نهضت امام حسین علیه السلام بود و نقش بنیادین در مصونیت‌سازی آن داشت؛ به گونه‌ای که نام ایشان با قیام کربلا گره خورده است. تأثیر رهبری ایشان در این قیام، کمتر از تأثیر خون شهیدان نیست. از سوی دیگر، حضرت دارای خصوصیات سیاسی و اخلاقی است که از وی شخصیتی موفق ساخته است. این نوشتار می‌کوشد ویژگی‌های اخلاقی و سیاسی ایشان را بررسی نماید.

الف. ویژگی‌های اخلاقی

۱. عبادت و نیایش

حضرت زینب علیها السلام در خانه‌ای پرورش یافت که در آن، عبادت، جوهر و زینت زندگی بود و شخصیت حضرت در چنین خانه‌ای نورانی شکل گرفت. ایشان آن گونه به نماز می‌ایستاد که گویی فاطمه علیها السلام به نماز ایستاده است و چنان

مناجات می‌کرد که یاد پدر را در خاطره‌ها زنده می‌نمود.^۱ عبادت زینب ع به‌گونه‌ای بود که امام حسین ع به خواهرش فرمود: «یا اُحْتَاهُ لَانْتَسِنِي فِي نَافِلَةِ اللَّيْلِ»؛^۲ خواهرم! مرا در نماز شب فراموش مکن. این مطلب، نشان از آن دارد که این بانوی بزرگوار به قله رفیع بندگی و پرستش راه یافته و به هدف آفرینش انسان نایل شده بود.^۳ به همین دلیل بود که سختی‌ها و مصیبت‌های روز عاشورا، او را از عبادت‌های مستحبی باز نداشت؛^۴ حتی شب یازدهم نیز نماز شب خود را ترک نکرد. امام سجاده ع در این باره فرمود: «زینب ع در طول راه شام، هرگز نافله نماز شب را ترک نکرد و با تمام گرفتاری‌ها و مصائب، آن را انجام داد. شبی دیدم عمه‌ام نشسته نماز می‌خواند. وقتی علت آن را پرسیدم، گفت: نشسته نماز می‌خوانم؛ چون سه شب است که بسیار گرسنه‌ام و ضعف مرا فراگرفته است؛ زیرا ایشان سهم خود از طعام و خوراک را میان کودکان تقسیم می‌کرد...»^۵

محمدجواد مغنیه می‌گوید: «ایمان زینب، همچون ایمان رسول خدا ص بود. این سخن را از روزی مبالغه نمی‌گویم. چه دلیلی بهتر از اینکه آن حضرت در شب یازدهم محرم، نماز شب خود را ترک نکرد.»^۶

۲. حجاب و عفاف

حضرت زینب ع با الهام از قرآن و آموزه‌های مادر خویش، حجاب و

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۷۹.
۲. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، ج ۱۱، ص ۹۵۴.
۳. اسماعیل نساجی زواره، «شمه‌ای از کمالات معنوی حضرت زینب ع»، مکتب اسلام، شماره ۳، ص ۵۶.
۴. علی نقی فقیهی و سمیه خورشیدی، «مبانی، عملکردها و روش‌های تربیتی حضرت زینب ع». فصلنامه علمی تخصصی تربیت تبلیغی، پیش‌شماره ۱، ص ۱۴.
۵. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۲.
۶. عایشه بنت الشاطیء، مع بطله الکر بلا، ص ۶۱؛ به نقل از: پیام زینب ع، ص ۵۰.

عفاف را مانند گوهر، ارزشمند می‌دانست. از این رو، حجاب و عفت، آن قدر از نگاه زینب علیها السلام اهمیت دارد که حتی در دوران اسارت نیز آن را حفظ می‌کند.^۱ علامه مامقانی می‌گوید: «زینب در حجاب و عفت، یگانه بود. از زمان پدر و برادرانش، هیچ‌کس از مردان او را ندیده بودند.»^۲

یحیی مازنی، یکی از اهالی مدینه، می‌گوید: من در شهر مدینه و در همسایگی امیر مؤمنان، علی علیه السلام بوم و منزلم پهلوی خانه‌ای بود که زینب، دختر علی علیه السلام در آنجا زندگی می‌کرد. به خدا سوگند! هیچ‌گاه کسی قد و قامت او را ندید و صدای او را هم نشنید. او هرگاه می‌خواست به زیارت جدّ بزرگوارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برود، در دل شب و به همراه پدرش امیر مؤمنان علیه السلام و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام می‌رفت. علی علیه السلام در مورد این گونه تشرّف زینب علیها السلام، خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرمود: «أَخْشَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى شَخْصِ أُخْتِكَ زَيْنَبُ؛^۳ بیم دارم که کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند.»

۳. علم و دانش

یکی از درجات والای زینب علیها السلام، مقام دانش بی‌کران است. او از خاندانی است که از کودکی، علم به آنها چشاند شده و وجودشان از آن سیراب گردیده است.^۴ ایشان دارای این جایگاه رفیع علمی بود؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام خطاب به عمه‌اش فرمود: «وَ أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرٌ مُعَلَّمَةٌ فَهَمَّةٌ غَيْرٌ مَفْهَمَةٌ؛^۵

۱. حسن خلجی، «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام»، طه‌ورا، شماره ۱۲، ص ۱۰۲.
۲. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.
۳. عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۱۱، قسم ۲، ص ۹۵۵.
۴. اعظم نوری، «خردورزی در سیره حضرت زینب علیها السلام»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره اول، ص ۱۰۵.
۵. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۵.

بحمدالله، تو دانشمندی معلم‌نندیده و فهمیده‌ای فهم‌نیاموخته هستی.»

ابن حجر عسقلانی، زینب علیها السلام را با صفاتی چون: عاقله، خردمند و حکیم توصیف می‌کند. خطبه‌های زینب علیها السلام همراه با استدلال به آیات قرآن در مسجد ابن‌زیاد و در دربار یزید، هرکدام شاهی بر این مدعاست.^۱ همچنین، روایات بسیاری از زینب علیها السلام نقل شده است که یکی از آنها، خطبه حضرت زهرا علیها السلام است. این، در حالی است که ایشان، دختری خردسال است.^۲

برگزاری کلاس‌های درس تفسیر قرآن، یکی دیگر از نشانه‌های علم زینب علیها السلام است. زنان و دختران مشتاق دانش، به علی علیه السلام پیام فرستادند و گفتند: «ما شنیده‌ایم که دختر شما، زینب علیها السلام، همانند مادرش، زهرا علیها السلام، دارای علوم و کمالات است. اگر اجازه دهید، در محضرش حاضر شده، از دانش ایشان بهره‌مند شویم.» علی علیه السلام نیز اجازه داد تا دختر عالمه‌اش بانوان کوفه را آموزش دهد و مشکلات علمی آنان را حل نماید.^۳

۴. صبر و پایداری

گواهی تاریخ، نشان می‌دهد که غم‌ها و مصیبت‌های فراوانی، چون رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شهادت زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام بر حضرت زینب علیها السلام وارد شده بود و ایشان در برابر همه آنها صبر و استقامت ورزید.^۴ مقاومت در برابر شداید و سختی‌ها و نشان‌ندادن ضعف در انجام وظیفه، از ویژگی‌های شایسته

۱. اعظم نوری، «خردورزی در سیره حضرت زینب علیها السلام»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره اول، ص ۱۰۵.

۲. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۱.

۳. اسماعیل نساجی زواره، «شمه‌ای از کمالات معنوی حضرت زینب علیها السلام»، مکتب اسلام، سال ۴۵، شماره ۳، ص ۵۶؛ ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۵۷.

۴. حسن خلجی، «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام»، طهورا، شماره ۱۲، ص ۱۰۰.

آن حضرت است. این توانمندی، در ایشان آن‌چنان برجسته است که در زیارت‌نامه ایشان می‌خوانیم: «وَقَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ؛^۱ فرشتگان آسمان، از صبر تو به شگفت آمدند.»

ریشه این توانمندی، چند چیز است: نخست اینکه وی درک بالایی از خدا داشت و به او عشق می‌ورزید و رضایت حق را در صبوری می‌دید. برای رضای خدا، سختی‌ها را تحمل می‌کرد و از حوادث جانکاه پیش آمده، هیچ گلایه‌ای نداشت. دوم اینکه او می‌دانست رسالتش جز به صبر و مقاومت سامان نمی‌پذیرد. بی‌صبری، نشانه ضعف است که او و خاندانش از آن مبرا هستند. سوم آنکه حضرت، قیام و شهادت و اسارت در راه خدا را مسیر هدایت خود می‌دید و آن را با تمام وجود باور داشت و می‌دانست پیامدهای صبوری او - یعنی هدایت مردم و انجام وظیفه الهی - در برابر این شداید چقدر گران‌بهاست.^۲

بنابراین، می‌توان گفت زینب علیها السلام، الگوی تمام‌نمای صبر است؛ زیرا در سخت‌ترین لحظات، سر تسلیم و رضا برای خداوند فرو آورد و بردباری را پیشه خود ساخت و شگفتی همگان را برانگیخت.^۳

ب. ویژگی‌های سیاسی

۱. رهبری قیام

نهضت کربلا، دو مرحله داشت که مرحله اول آن را، امام حسین علیه السلام رهبری نمود و در این رهبری نیز بسیار موفق بود. حضرت دعوت مردم کوفه را اجابت

۱. ابن‌مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۰۹.

۲. علی فقیهی و سمیه خورشیدی، «مبانی، عملکردها و روش‌های تربیتی حضرت زینب علیها السلام»، فصلنامه علمی تخصصی تربیت تبلیغی، پیش‌شماره ۱، ص ۱۵.

۳. حسن خلجی، «الگوهای رفتاری حضرت زینب علیها السلام»، طهورا، شماره ۱۲، ص ۱۰۴.

کرد و ایام حج از مکه خارج گردید. همچنین، خطرات بنی‌امیه را به مردم گوشزد نمود و با آنان اتمام حجت کرد و همگان را از اهداف خود آگاه ساخت. این امور، در فرهنگ‌سازی نهضت امام بسیار مؤثر بود.

مرحله دوم رهبری نهضت، بر عهده زینب علیها السلام است. مهم‌ترین وظایف زینب علیها السلام پس از عصر عاشورا، پیام‌رسانی، سرپرستی اهل‌بیت امام و پاسداری از نهضت و رساندن پیام «هَيِّهَاتِ مِنَّا الدَّلَّةُ» برای جهانیان بود. ایشان نیز در رهبری نهضت، بسیار شایسته عمل کرد؛ زیرا تهدیدها را تبدیل به فرصت نمود و رسالت خود را با موفقیت به پایان رساند.

سرّی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب

پشت کوه فتنه‌ها می‌ماند اگر زینب نبود

بنابراین، بعد از شهادت امام و یارانش، رهبری قیام را یک زن به عهده می‌گیرد؛ درحالی‌که طرف مقابل او، مرد قرار دارد. این امر، در طول تاریخ بی‌سابقه است. معمولاً آنچه در تاریخ اتفاق افتاده، این است که رهبران نهضت‌ها مرد بودند. از سوی دیگر، زینب علیها السلام در حالی رهبری نهضت را عهده‌دار می‌شود که کسی جز اهل‌بیت اسیرشده، او را همراهی نمی‌کنند.

مهم‌تر از همه اینکه این زن، یزید قدرتمند را شکست می‌دهد؛ زیرا بعد از خطبه زینب علیها السلام در کوفه و نیز خطبه امام سجاد علیه السلام در شام، افکار عمومی تغییر نمود و مردم فهمیدند که یزید چه جنایتی را مرتکب شده است. از این‌رو، خود یزید اظهار ندامت و پشیمانی کرد که چرا دست به چنین جنایتی زده است.

مطلب دیگر اینکه این رهبری حضرت، در حال اسارت و در قید و بند دشمن صورت می‌گیرد و این خود، هنر و شاهکار زینب علیها السلام است.

۲. فرهنگ‌سازی سیاسی

یکی از راهبردهای زینب علیها السلام، رشد و بلوغ سیاسی جهان اسلام بود. حضرت باید اندیشه سیاسی مردم را نهادینه‌سازی می‌کرد؛ زیرا دشمن در صدد تحریف عاشورا و سرپوش نهادن بر جنایات خود بود. اگر سیاست‌های راهبردی ایشان نبود، دشمن پرونده کربلا را برای همیشه مختمه اعلام می‌نمود. همان دشمنی که جواز قتل امام را صادر کرده و حجت خدا را کشته بود، می‌توانست نهضت حسینی را تحریف نماید. از این رو، زینب علیها السلام بزرگ‌ترین رسالت خود را در قالب دعا، خطبه و عزاداری ادامه داد و این‌گونه، مردم کوفه و شام را از خواب غفلت بیدار نمود و این، مهم‌ترین عامل مصونیت‌بخشی قیام امام بود؛ البته حضرت زینب علیها السلام این امر را نخست از کوفه آغاز نمود.

نهادینه‌سازی رشد سیاسی در کوفه: سپاهیان دشمن بعد از شهادت امام و یارانش، اهل بیت علیهم‌السلام را وارد شهر کوفه کردند. هنگامی که کاروان اسیران به کوفه رسید، زنان، مردان و کودکان کوفه به تماشای آنان آمدند.

زینب علیها السلام بر آن بود تا کوفیان را آگاه کند. از این رو، با شجاعتی علی‌گونه بر مسند خطابه قرار گرفت و فرمان سکوت داد و ایستاد. ناگهان نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد.^۱ سپس، فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ، أَمَا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الْخَنْدَلِ وَالْغَدْرِ وَالْخَذَلِ أَلَا فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةَ وَلَا هَدَاتِ الزَّفْرَةَ إِنَّمَا

۱. سیدبن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۶؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۴۰.

مَتَّكُمُ كَمَثَلِ النَّبِيِّ نَقَضَتْ عَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَائِهَا...^۱ ستایش، از آن خداست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و نیکوکارش. ای مردم کوفه! مردمان حيله‌گر و خیانتکار! گریه می‌کنید؟ اشک چشمانتان خشک نشود و ناله‌هایتان آرام نگیرد! کار شما، مانند آن زنی است که رشته‌های بافته‌شده خود را پنبه می‌کند. به خدا سوگند! باید گریه کنید، دامان خود را به ننگی آلوده‌اید که پلیدی آن را تا ابد نتوانید شست. چگونه می‌توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا، خاتم پیامبران، معدن رسالت و سرور جوانان اهل بهشت را از دامان خود بزدايید؟ آیا می‌دانید چه جگری از رسول خدا دریده‌اید؟ چه زنان و دختران باعفت و باوقاری را از خاندان او به کوچه‌وبازار کشانده‌اید؟ چه خونی از آن حضرت بر زمین ریخته‌اید؟ و چه حرمتی از او شکسته‌اید؟»

محورهای خطبه

۱. حضرت در ابتدای خطبه، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعبیر به «پدر» می‌کند و با انتخاب این کلمه، نسبت خویش را با پیامبر روشن ساخت؛ تا همه بدانند که این قافله، از کدام طایفه است.
۲. سپس، مردم را به ضعف آنان (پیمان‌شکنی) آشنا نمود.
۳. حضرت با بیان صفاتی همچون: «درمان دردها»، «چراغ راه امت» و «پناهگاه جمع»، به معرفی شخصیت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام پرداخت تا بار دیگر مردم با امام عَلَيْهِ السَّلَام آشنا شوند و اینکه او، نه تنها خارجی نیست، بلکه فرزند علی و فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَام است.
۴. آنگاه، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و خانواده پیامبر را معرفی کرد؛ تا به آنان بفهماند که

۱. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۴.

با شهادت امام و اسارت اهل بیت علیهم السلام، چه جنایات هولناکی مرتکب شده‌اند. سخنان حضرت، افکار عمومی را تغییر داد و مردم کوفه به شدت تحت تأثیر خطبه زینب علیها السلام قرار گرفتند؛ تا آنجا که صدای مردم کوفه به گریه بلند شده بود. زنان، موهای خود را افشان نموده، خاک بر سر و روی خود می‌ریختند. سخنرانی زینب علیها السلام در کوفه، سبب شد که مردم کوفه در صدد قیام علیه یزید برآمدند و از جمله نتایج آن، قیام توأین بود.

۳. شجاعت سیاسی

یکی از ویژگی‌های سیاسی زینب علیها السلام، شجاعت سیاسی ایشان است. حضرت در رهبری سیاسی نهضت، نشان داد که در برابر ظلم نباید زانوی غم در بغل گرفت. او شعار معروف برادرش «**هیهات منّا الذّلة**» را در کربلا، کوفه و شام به نمایش گذاشت و در واقع، شجاعت سیاسی حضرت، در برابر ابن‌زیاد و یزید به اوج خود رسید؛ چنان‌که حضرت این دو را تحقیر نمود و عملکرد آنان را به چالش کشاند.

سخنی در مجلس عیدالله‌بن‌زیاد: عیدالله‌بن‌زیاد مجلس جشنی در کوفه برقرار کرد و دستور داد سرهای شهیدان را آوردند. سپس، بازماندگان شهیدان از جمله اهل‌بیت را وارد کردند. «هنگامی که زینب به مجلس پسر زیاد وارد می‌شد، پست‌ترین لباس را به تن داشت و صورتش را با آستین پوشانده بود.»^۱ توجه ابن‌زیاد به او جلب شد و پرسید: «این زن کیست؟ یکی از دختران پاسخ داد: «**هذه زینب بنت فاطمة بنت رسول الله**.» ابن‌زیاد گفت: «شکر خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت و افسانه شما را دروغ نمود!»

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۵.

زینب علیها السلام در پاسخ فرمود: «ستایش برای خدایی است که ما را به وجود پیامبرش گرامی داشت و ما را از پلیدی پاک ساخت. فاسق، رسوا می‌شود و فاجر، دروغ می‌گوید و او، غیر از ماست و ستایش، مخصوص خداست.» ابن‌زیاد پرسید: «رفتار خدا با برادر و خاندان خود را چگونه دیدی؟» زینب علیها السلام پاسخ داد: «اینان مردمی بودند که خداوند کشته‌شدن را برای آنان مقرر نموده بود و آنان نیز به آرامگاه خود شتافتند؛ ولی [بدان که] به‌زودی خدا میان تو و ایشان جمع می‌کند و تو را بازخواست می‌کند. پس، نگران باش که در آن روز، پیروزی از آن کیست!»^۱

این‌گونه، زینب علیها السلام در دارال‌اماره، ابن‌زیاد را کوچک شمرد و توان سخن‌گفتن را از پسر زیاد گرفت.

نهادینه‌سازی رشد سیاسی در شام: سیدبن طاووس می‌نویسد: زنان و بازماندگان اهلبیت را درحالی‌که به ریسمان‌ها بسته شده بودند، به مجلس یزید وارد نمودند... هنگامی که چشم زینب به سر خونین برادرش افتاد، با صدای محزون فریاد زد: «ای حسین، ای محبوب رسول خدا، ای پسر مکه و منا، ای پسر فاطمه زهرا، بانوی همه زنان جهان، و ای پسر دختر مصطفی!»^۲ راوی گوید: به خدا سوگند که با این ندای زینب علیها السلام، تمام کسانی که در مجلس بودند، گریستند.

سپس، زینب علیها السلام از جا برخاست و بعد از حمد الهی فرمود:

«أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ... ؛ ای یزید! آیا اکنون که زمین و آسمان را بر ما تنگ کردی و ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی،

۱. همان.

۲. سیدبن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۱۱.

می‌پنداری ما نزد خدا خوار شدیم و تو نزد او عزیز و گرامی؟ و تصور کردی این نشانه قدر و منزلت تو نزد خداست؟ از این رو، باد غرور به بینی انداختی و به خود بالیدی و از اینکه دیدی دنیا در کمند تو درآمده و امور تو سامان یافته و مُلک و خلافت ما در اختیار تو قرار گرفته، شادمان شدی؟ کمی آهسته‌تر! آیا سخن خداوند را فراموش کردی که فرمود: «آنها که کافر شدند [و راه طغیان پیش گرفتند]، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است. ما به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای است.»^۱

«أَمِّنَ الْعُدْلُ يَا بَنَ الطُّلَقَاءِ ... ؛ ای پسر آزادشده‌ها! آیا این از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده‌ها بنشانی؛ ولی دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسیر کرده و به این سو و آن سو بکشانی و درحالی که پرده حرمت آنان را دریده و چهره‌های آنان را در معرض دید مردم قرار داده‌ای، آنها را توسط دشمنان در شهرهای مختلف بگردانی تا مردم هر کوی و برزن به تماشای آنان بنشینند و افراد دور و نزدیک و پست و شریف، به چهره‌هایشان چشم بدوزند؛ با آنکه همراه آنان، مردان و حامیانشان نبودند؛ [ولی چه سود از این سخنان؛ زیرا] چگونه می‌توان به حمایت و مراقبت آن کس امید داشت که [مادرش] جگر پاکان را به دهان گرفته و گوشتش از خون شهیدان روییده!»

«اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا، وَأَنْتَقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا، ... ؛ خدایا! حق ما را بستان و از ستمگران بر ما، انتقام بگیر و خشمت را بر آن کس که خون ما را بر زمین ریخت و حامیان ما را کشت، فرو فرست. به خدا سوگند! [با این جنایت]، جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خود را نبریدی و در حقیقت، خود را نابود کردی.

به‌یقین، با حمل باری که - از ریختن خون فرزندان رسول خدا و هتک حرمت آن حضرت در ارتباط با خاندان و جگرگوشه‌هایش - بر دوش داری، بر رسول خدا وارد خواهی شد. در آنجا خداوند آنان را گرد خواهد آورد و پریشانی آنان را برطرف خواهد ساخت و داد آنها را بستاند؛ «گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند؛ بلکه زندگان جاویدند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.»^۱

در شام، زینب علیها السلام که به‌ظاهر اسیر بود، با قدرت سخنوری‌اش دشمن را به اسارت گرفت و پُرصلابت ظاهر شد؛ آن‌چنان که تیغ زبان زینب علیها السلام، همه آنچه یزید تنیده بود، از هم گسست و چهره واقعیت را نمایان ساخت. یزید که در برابر افشگری‌های اهل‌بیت علیهم السلام درمانده بود، برای حفظ موقعیت پوشالی خود، راهی جز خشونت ندید. از این‌رو، چند بار به قتل امام سجاد علیه السلام فرمان داد؛ ولی چون این کار را به زیان خود دید، از آن چشم پوشید.

محورهای خطبه زینب علیها السلام

۱. تحقیر یزید: حضرت، یزید را با عنوان «فرزند طلقا» (يَا بَنَ الطَّلَقَاءِ)، خطاب نمود. این سخن، اشاره به داستان فتح مکه دارد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر مشرکان مکه منت گذاشت و آنان را آزاد کرد. همچنین، حضرت یزید را «فرزند زن جگرخواره» خطاب نمود که اشاره به کار زشتی است که هند، در جنگ اُحد بعد از به‌شهادت رسیدن حمزه انجام داد؛ یعنی جگر حمزه را به دندان کشید.
۲. یادآوری «سرنوشت ظالمان»: زینب علیها السلام با تلاوت آیه ۱۰ سوره روم: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ...»، یزید را ستمکار معرفی کرد و در واقع، به عاقبت دردناک ستمگران اشاره نمود.

۱. سیدبن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۱۵ و ۲۲۱.

۳. پوشالی دانستن قدرت یزید: زینب علیها السلام یزید را شایسته سخن گفتن ندانست و این‌گونه نشان داد که او آن‌قدر در چشمش کوچک است که حتی لیاقت تحقیر را نیز ندارد.

۴. ارزش شهادت: زینب کبری علیها السلام، شهادت را نقطه اصلی قیام اسلامی قرار داد و آن را رمز پیروزی عاشوراییان دانست. او با تلاوت آیه ۱۲۲ آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا...»، خواست بر همگان ثابت کند که در منطق حسین علیها السلام، شکست راه ندارد. مرگ در راه خدا و پیروزی ظاهری، هر دو به معنای پیروزی است.

۵. جاودانگی قیام: زینب کبری علیها السلام با اشاره به آینده قیام حسینی، فرمود: «ای یزید! هرچه می‌توانی در راه دشمنی ما مکر نما. به خدا قسم که نمی‌توانی نام ما را از خاطره‌ها محو نمایی و فروغ وحی ما را خاموش سازی و از این راه، به آرزوی نهایی خود برسی!» که سرانجام، پیروزی از آن ماست. هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم، دوام ما